

Analysis of the Arrogance of Ali (as) and the Jews in the Khyber War Based on Van Dyke's Ideological Square

Ebrahim Fallah*

Abstract

Critical discourse analysis is a visionary approach that is important in discovering the worldview of discourse. Theon van Dyke, one of the leading theorists in the field of critical discourse analysis, emphasized the ideological square theory by emphasizing that the ideological worldview can be represented in language. The present study uses a descriptive-analytical method and with the assumption that one can have a discourse reading of arrogance, examines the arrogance of Ali (AS) and the Jews in the Khyber War based on Van Dyke's ideological quadratic model in critical discourse analysis. Discover how to represent the ideology of the dialogue parties, deeper understanding of the layers of the text. The result of the research shows that in these arrogances, the atmosphere of conflict is represented by the discourse strategy of polarization between the two groups of Ali (AS) and his enemies. Similar, the absolute object of a kind and emphasis, presenting the news at the beginning and rhetorical approaches of simile, Makniyeh metaphor and lexical structures that have a negative ideological burden "Al-Kufra, the people of immorality" and lexical structures that have a positive ideological burden "Rabbi Khair Nasser, Amen Ballah" He pointed out that effective language plays an important role in marginalizing the arrogance of the opposition and propagating Islam and proving its legitimacy against the Jews.

Keywords: Ali PBUH, ideological square, critical discourse analysis, arrogance, marginalization.

* assistant professor of Arabic language and literature, Eslamic Azad University, sari branch, sari, Iran, fallahabraham@gmail.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیل رجزهای امام علی (ع) و یهودیان در جنگ خیبر بر اساس مربع ایدئولوژیک ون دایک

ابراهیم فلاح*

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی بینا رشته‌ای است که در کشف جهان بینی گفته پردازی اهمیت زیادی دارد. تئون ون دایک از نظریه پردازان برجسته حوزه تحلیل گفتمان انتقادی، با تاکید بر این نکته که جهان بینی گفته پرداز (ایدئولوژی) قابلیت بازنمایی در زبان را دارد، نظریه مربع ایدئولوژیک را بیان نمود. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با این فرض که می‌توان از رجز، خوانشی گفتمانی داشت، رجزهای امام علی (ع) و یهودیان را در جنگ خیبر بر اساس الگوی مربعی ایدئولوژیک ون دایک در تحلیل گفتمان انتقادی مورد بررسی قرار می‌دهد، تا ضمن کشف چگونگی بازنمود ایدئولوژی طرفین گفتگو، شناخت عمیق تر لایه‌های متن صورت گیرد. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که در این رجزها فضای تخصم به وسیله راهبرد گفتمانی قطب بندی بین دو گروه امام علی (ع) و دشمنانش بازنمایی شده است و امام علی (ع) با استفاده از گزاره‌های زبانی واو قسم، نفرین، اسم فاعل به معنای صفت مشبیه، مفعول مطلق نوعی و تاکید، تقدیم خبر بر مبتدا و رویکردهای بلاغی تشبیه، استعاره مکنیه و سازه‌های واژگانی که بار ایدئولوژیکی منفی دارند «الکفره، اهل فسوق» و سازه‌های واژگانی که بار ایدئولوژیکی مثبت دارند «ربی خیر ناصر، آمنت بالله» از جمله رویکرد های زبانی موثر در حاشیه رانی رجزهای مخالفان و تبلیغ اسلام و اثبات حقانیت آن در برابر یهودیان، نقش به سزایی را ایفا نموده، اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، تحلیل گفتمان انتقادی، مربع ایدئولوژیک، رجز، حاشیه رانی، برجسته‌سازی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ساری، ایران، Fallahabrahin@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی رویکرد جدیدی است که زبان را به منزله شکلی از کارکرد اجتماعی، بررسی و بر نحوه بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی، با متن و گفتگو تاکید می‌کند. یکی از رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد «ون دایک» است. به دلیل تاکید به نقش ایدئولوژی و شیوه گفتمان‌سازی دوقطب رقیب می‌توان افقی جدید در فهم و خوانش رجز ایجاد کند و به این منظور الگوی «مربعی ایدئولوژیک» به دلیل تبیین مکانیزم برتری جویی گفتمان‌ها در برابر یکدیگر به طور مشخص رهیافتی مناسب در جهت تحلیل ساختار و کارکرد رجزها به نظر می‌رسد. نقش مهم زبان در ایجاد ایدئولوژی و به فراخور آن تولید گفتمان مسئله‌ای است که در تحلیل گفتمان انتقادی مورد اتفاق صاحب نظران است. یکی از مختصه‌های محوری یا اصلی در سنت زبان‌شناسی، اعتقاد راسخ داشتن به این موضوع است که گفتمان در باز تولید ایدئولوژی نقش اساسی دارد. (ون دایک، ۱۹۹۸: ۵) بر این اساس در پژوهش حاضر برای فهم ابعاد گفتمانی رجز از الگوی مربع ایدئولوژیک ون دایک استفاده می‌شود.

۱.۱ بیان مسئله

پژوهش حاضر، با توجه به نقش مهمی که عوامل و ساز و کارهای زبانی در بازتولید و کنترل ذهن سوژه‌ها از طریق باز نشر ایدئولوژی‌ها ایفا می‌کنند، در صدد است که با توجه به نقش ایدئولوژی در تولید گفتمان به دریافت جدیدی نسبت به کارکرد رجز دست یابد و پرسش‌های اصلی که این پژوهش در پی بررسی آنهاست عبارتند از:

- کار بست نظریه ون دایک در رجزهای امام علی (ع) و یهودیان چگونه است؟
- رویکردهای زبانی موثر امام علی (ع) در به حاشیه راندن رجزهای مخالفانش چیست؟

۲.۱ پیشینه تحقیق

با وجود پژوهش‌های معدودی که محققان در مورد رجزهای امام علی (ع) انجام داده‌اند؛ اما بعد زبان‌شناسی آن مغفول مانده است. پژوهش حاضر رجزهای امام علی (ع) و یهودیان

را از بعد کنش های زبانی و بر اساس مربع ایدئولوژیک ون دایک مورد واکاوی و تحلیل قرار می دهد. اینک به برخی از پژوهش های مرتبط اشاره خواهد شد:

۱. پژوهشی با عنوان «دراسة الرجز فی العصر الاسلامی» به قلم سید محمد رضی مصطفوی نیا انجام شده که در فصلنامه اضاءات نقدیه (۱۳۹۰) به چاپ رسیده است. پژوهشگر به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی رجز پرداخته و اشاره نمود که رجز یکی از ارکان اصلی در جنگ های گذشته بود. اما در دوره اسلامی، موضوعات جدیدی مانند مقاومت و پایداری، وفا و یاری پیامبر (ص) جایگزین موضوعات قتل و غارت و تفاخر به قبائل دیگر و هجو و مذمت قرار گرفت. در پایان این اثر به رجز یاران امام حسین(ع) در کربلا پرداخته شده است.

۲. مقاله دیگر با عنوان «جلوه های ادبیات مقاومت و پایداری در رجزهای علوی» به قلم ابراهیم فلاح در مجله ادبیات پایداری (۱۳۹۷) به چاپ رسیده است.

پژوهشگر در این مقاله جلوه هایی از مقاومت و پایداری را در اشعار حماسی و رجزهای علی علیه السلام به تصویر کشیده و به این نتیجه دست یافته است که مولفه های پایداری و مقاومت مانند مرگ و شهادت در راه خدا، صبر و پایداری شجاعت و دلیری، افتخار به نسب و ارباب و تهدید دشمن در رجزهای علوی تجلی یافته است.

بر خلاف نقش اساسی رجز در بافت متن حماسی، تحقیقات معدودی پیرامون آن انجام شده و تا کنون تحقیقی مبتنی بر نظریه تحلیل گفتمان انتقادی در مورد کارکرد گفتمانی و ساختار آنها صورت نگرفته است و تحقیقات غیر گفتمانی نیز اغلب به موضوع رجز امام علی (ع) و مولفه های آن پرداخته اند. در نتیجه جای پژوهشی مبتنی بر نظریه برای شناخت ماهیت و کارکرد رجز های امام علی(ع) و یهودیان نوآورانه و ضرورتی بایسته به نظر می رسد.

۳.۱ مبانی نظری

تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد جدیدی از تحلیل گفتمان است که قائل به کنش اجتماعی زبان است و شیوه به کارگیری زبان توسط گوینده یا نویسنده را متاثر از ایدئولوژی و قدرت می بیند. تئون ون دایک از چهره های شاخص و پیشرو حوزه تحلیل گفتمان انتقادی است که برای تحلیل ساختار تکوین و بازتولید گفتمان به مسئله ایدئولوژی

به عنوان یک زیرساخت و مبنا توجه ویژه دارد، به طوری که می‌توان کلید واژه رهیافت ون دایک را مقوله ایدئولوژی دانست. او به‌طور عام ایدئولوژی را اینگونه تعریف می‌کند: «ایدئولوژی باورهای بنیادین گروه و اعضای آن هستند» (ون دایک، ۲۰۰۰: ۷)

برای تبدیل ایدئولوژی به گفتمان نیاز به راهبردهای کلامی است تا از طریق آنها این امر محقق شود. قطب بندی یا قرار دادن قطب خودی در برابر قطب رقیب یا به عبارت دیگر «ما» در برابر «آنها» اولین و مهمترین راهبرد کلامی است. راهبرد ایدئولوژیکی قطب بندی کنشگران اجتماعی، استراتژی عمومی این است که بر خوبی های «ما» و بدی های «آنها» تاکید شود و بدی های «ما» و خوبی های «آنها» نادیده گرفته شود. (همان، ۲۰۰۶: ۲۴)

ون دایک به مفهوم ایدئولوژی توجه خاصی نشان می‌دهد و معتقد است ایدئولوژی‌ها بیشتر بر اساس مربع ایدئولوژیک بیان می‌شوند در نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد که «گفتمان های ایدئولوژیک اغلب استراتژی عمومی را شکل می‌دهند که مربع ایدئولوژیک خوانده می‌شود و می‌تواند برای تحلیل تمام سطوح ساختارهای گفتمان به کار رود..» (ون دایک، ۱۳۹۰: ۶۴) چهار اصل مربع ایدئولوژیک عبارتند از:

۱. تاکید یا برجسته‌سازی ویژگی‌ها و کارهای خوب ما

۳. کم‌رنگ کردن ویژگی و کارهای بد ما

مربع ایدئولوژیک

۴. کم‌رنگ کردن ویژگی‌ها و کارهای خوب آنها

۲. تاکید یا برجسته‌سازی ویژگی‌ها و کارهای بد آنها

مربع ایدئولوژیک علاوه بر تحلیل تمام سطوح ساختار گفتمان، با توجه به ظرفیت ممکن است در آنالیز معنایی و واژگانی پدیدار شود. (ون دایک، ۲۰۰۰: ۴۴) به باور ون دایک، مکانیسم های گوناگون متنی - زبانی قابلیت برجسته سازی و حاشیه رانی معنی را دارند. او این نموده‌های متنی - زبانی منعکس کننده ایدئولوژی را به قرار زیر شرح می‌دهد:

- سبک واژگان و نحوه واژه‌گزینی که می‌تواند حامل بار ارزشی مثبت یا منفی باشد.
- صورت‌های بلاغی همچون اغراق در کنش های منفی «دیگری» و کنش های مثبت «خودی»، حسن تعبیر، تکذیب و قصور در بیان کنش های منفی «ما» و کنش های مثبت «دیگری».
- استدلال که باید ارزیابی منفی یا مثبت از واقعیت را به دنبال داشته باشد.

- تدوین ساختارهای بیانی که کنش‌های رفتاری «خودی» را مثبت و کنش‌های «دیگری» را منفی جلوه می‌دهد یا اهمیتی خلاف امر واقع را به مخاطب منتقل می‌کند. (ون دایک، ۱۳۷۸: ۹۱)

۲. بحث

رجز، یک متن حماسی است و یکی از خصوصیات بارز حماسه، اظهار قهرمانی و برتری نیروی جسمانی دو حریف است که قصد جنگیدن در مقابل یکدیگر را دارند. رجزخوانی نوعی ترفند و جنگ نرم روانی محسوب می‌شود که از لحاظ روحی در تقویت نیروی خودی و تضعیف دشمن تأثیرگذار است. (امیری خراسانی، اکرمی نیا، ۱۳۹۶: ۳۹) علی(ع) با سپاهیان‌ش به منزله یک درون گروه و «ما» هستند که مخالفانش را به چشم برون گروه یا «آنها» می‌بینند و از سوی دیگر مخالفان نیز، علی(ع) و سپاهیان‌ش را به منزله غیر یا دیگری قلمداد می‌کنند. با وجود دو قطب که در تقابل با یکدیگر هستند. با درک چنین فضایی می‌توان ضرورت رجز خوانی علی(ع) و مخالفانش در برابر یکدیگر را دریافت. دوگفته پرداز (رجز) به عنوان دو کنشگر از دو گفتمان در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند که هر کدام سعی دارد بر دیگری غلبه کند و بدین وسیله برتری قطب خویش و ضعف رقیب را برجسته سازی کند. رجزهای کنشگران دو قطب در جنگ خیبر در برابر یکدیگر ذکر می‌گردد و بر اساس الگوی مربع ایدئولوژیک بررسی خواهد شد.

۱.۲ رجزخوانی علی(ع) و مرحب

واژه خیبر در زبان عبری به معنی قلعه است و چون این منطقه به وسیله هفت قلعه دربرگرفته شده بود به آن خیبر می‌گفتند. (حموی، ۱۹۹۵، ج ۲: ۴۰۹؛ عاملی، ۱۳۸۷: ۲۷۲) جنگ خیبر، سال هفتم هجری واقع شد و پیامبر (ص) در اوایل محرم سال هفتم روانه خیبر شد و در ماه صفر آنجا را فتح کرد و در اول ربیع الثانی سال هفتم به مدینه بازگشت. (ابن هشام، بی تا، ج ۳: ۳۴۲) یکی از جنگاوران این قلعه و از نخستین کسانی که به جنگ مسلمانان آمدند، مرحب ابن حارث یهودی، معروف به مرحب خیبری، مردی بلند قامت و بسیار شجاع و رییس یکی از قلعه‌ها و دژهای خیبر بود و از سران یهود به شمار می‌آمد.

مرحب در حالی که غرق در سلاح بود، (واقعی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۴۵-۶۵۸؛ ابن هشام، بی تا، ج ۳: ۳۴۷) این گونه رجز خوانی می‌کند:

قَدْ عَلِمْتُ خَيْرُ أُنَى مَرْحَبُ شَاكِي السَّلَاحِ بَطَلٌ مُجَرَّبُ
 إِذِ اللَّيْثُ أَقْبَلَتْ تَلَهَّبُ وَأَحْجَمَتْ عَنْ صَوْلَةِ الْمُحْجَبِ
 خَلْتُ جِمَايَ أَبَدًا لَا يُقْرَبُ أَطْعَنُ أَحْيَانًا وَحِينًا أُضْرَبُ
 إِنْ غَلِبَ الدَّهْرُ فَإِنِّي أُغْلَبُ وَالْقِرْنُ عِنْدِي بِالِدِّمَا مُخَضَّبُ

(دیوان امام علی (ع)، (ع)، ۱۳۶۹: ۹۸)

طایفه خیبر میدانند که مرحب هستم، / اسلحه ام را آماده حمله کرده و قهرمانی آزموده ام / .
 آنگاه که شیران جنگ آتش جنگ را افروخته وارد میدان می‌شوند / و از صولت قهرمانان
 پنهان می‌گردند / فکر می‌کنم از شدت حرارت به من نزدیک نگردند، / گاهی با نیزه
 حمله می‌کنم و گاهی با شمشیر / اگرچه روزگار مغلوب گردد من غالب هستم، / همتای جنگی
 در نزد من با خونش رنگین می‌شود.

رجز مرحب با حرف تحقیق قد و فعل ماضی آغاز شده که نشان دهنده حتمیت و
 قطعیت حکم است (یعقوب، ۱۳۸۶: ۵۰۱) مرحب در واقع سعی دارد وجوه مثبت خویش
 را پررنگ و برجسته سازی کند. (مطابق ضلع اول) علاوه بر آن با بکار بردن ادات تاکید
 «أَنْ» اُنَى مَرْحَبُ که نشان دهنده قطعیت و تاکید است، (سیوطی، ۱۳۸۶: ۵۳۷) به اثبات
 قدرت خویش و ضعف رقیب پرداخت. (مطابق با ضلع دوم) در ادامه با استفاده از «اذ» که بر
 حتمیت وقوع دلالت دارد، (همان، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۱۰) ضمن تاکید مجدد بر قدرت خود، و
 پاسخ قاطعانه ضعف و ناتوانی کنشگر رقیب را پررنگ می‌کند. (ضلع چهارم) از سوی
 دیگر مرحب در بیت آخر با بکارگیری سازه ی تاکید «إِنْ» و جمله اسمیه که بر ثبوت و دوام
 و بیان حقایق دلالت دارد (فاضلی، ۱۳۸۸: ۷۳) مخاطب را به سمت تلقی تهدید
 رهنمون می‌کند که لازمه آن وجود گوینده ای صاحب قدرت و مخاطبی ضعیف است.
 (مطابق ضلع سوم) بنابر این مرحب با استفاده از این ادات بیانی به دنبال اثبات
 شجاعتش بود.

علی (ع) در جواب مرحب این گونه رجز می‌خواند:

أَنَا عَلِيٌّ وَإِنُّ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ مُهَذَّبٌ دُو سَطْوَةٍ وَ دُو غَضَبِ
 غَدِيْتُ فِي الْحَرْبِ وَ عَصِيَانِ النَّوْبِ مِنْ بَيْتِ عَزٍّ لَيْسَ فِيهِ مُشْعَبُ

تحلیل رجزهای امام علی(ع) و یهودیان در جنگ خیبر ... (ابراهیم فلاح) ۲۳۳

وَ فِي يَمِينِي صَارِمٌ تَجُلُّو الْكُرْبَ مَنْ يَلْقَنِي يَلْقَى الْمَنَابَا وَالْعَطَبَ

(همان ، ۱۳۶۹: ۹۸)

من علی(ع) فرزند عبدالمطلب هستم / پاک سرشت، دارای قدرت حمله و غضب هستم / در دامن جنگ و ناگواری های حوادث / و در خانه عزتی که اختلاف در آن راه نیافته رشد کرده ام / در دست راست من شمشیری تیز که غم ها را از هم می شکافد / هر کس به چنگ من بیفتد مرگ و هلاکت را دیدار میکند.

ساختار نحوی بیانات علوی متشکل از (جمله اسمیه) است. چون دلالت اسمیه بر ثبوت و دوام است. (فاضلی ، ۱۳۸۸: ۷۴-۷۳) امام علی (ع) با جمله اسمیه، «أَنَا عَلِيٌّ وَ...» در این رجز تاکید بر ارزش های مثبت خود، گفتمان مرحب را به حاشیه رانده و کمرنگ جلوه می دهد. (مطابق ضلع اول) امام علی (ع) در بیت آخر با بکارگیری سازه تقدیم خبر بر مبتدا «فِي يَمِينِي صَارِمٌ» که تاکید و تخصیص را می رساند؛ چرا که «تقدیم آنچه که حقش تاخیر است، بیانگر اهمیت چیزی است که مقدم شده است.» (جرجانی ، ۱۹۸۴: ۴۵-۴۲) ضعف مخاطب را اعلام می کند. هم چنین حضرت با به کارگیری ادات شرط «من» که بر نزدیک بودن وقوع فعل دلالت دارد (یعقوب ، ۱۳۸۶: ۴۰۹)، دشمن را منفعل می سازد. (مطابق ضلع دوم)

در ادامه امام علی (ع) اینگونه رجز می خواند:

نَحْنُ بَنُو الْحَرْبِ بِنَا سَعِيرُهَا حَرْبَ عَوَانٍ حَرْهَا نَذِيرُهَا

(دیوان امام علی (ع)، ۱۳۶۹: ۲۱۶)

ما فرزند جنگیم و آتش جنگ به خاطر ما شعله ور است / جنگ شدیدی است که آتش آن، حدود خطر جنگ را اعلام می دارد.

امام (ع) از استعاره مکنیه در ترکیب «بنو الحرب» استفاده نموده، که استعاره، یکی از صورت های بلاغی، بسته به قلمرو انتقالی - مستعارمنه - می تواند بارمنفی یا مثبت را القا کند، (پاشازانوس، رحیمی ، ۱۳۹۸: ۲۸) که در این جایگاه بار مثبت را به مخاطب منتقل و در نتیجه گفتمان امام(ع) را تقویت می کند. (مطابق ضلع اول) هم چنین با تقدیم خبر بر مبتدا «بِنَا سَعِيرُهَا» معنای گفتمانی را تخصیص و تقویت ببخشد. (زاهدی، بی تا: ۱۲۰) و ضعف مخاطب را برجسته می کند. (مطابق ضلع دوم) مرحب هم در جواب علی(ع) این چنین رجز می خواند:

ابنا اناسُ ولدتتا عبیره لباسنا الوشی و ربط حیره

ابناءُ حرب لیس فینا غدره

(دیوان امام علی (ع)، ۱۳۶۹: ۲۱۶)

من از مردمی هستیم که زنان زیبا رو و خوش پوش ما را زاییده اند / لباس ما گلدار و چادر ما، برد یمنی است / ما فرزند جنگیم و هیچ مگری نداریم.
مرحب در گزاره «ابناءُ حرب» با بکار گیری استعاره مکنیه که یکی از صورت های بلاغی است، بسته به قلمرو انتقالی - مستعار منه - می تواند بار منفی یا مثبت را القاء کند. (پاشا زانوس، رحیمی، ۱۳۹۸: ۲۸) که در این جایگاه، مسلماً با حوزه ی مفهومی «ابناءُ حرب» در پی اثبات تفوق و برتری خویش است و سعی دارد قدرت رقیب را به حاشیه براند. (مطابق ضلع اول)

مرحب با گفتن ضمیر «انا» به عنوان یک کنشگر فعال گفتمان رقیب، موضع خویش را نسبت به مخاطب مشخص می کند. از آنجایی که خود رقیب در جبهه مقابل علی (ع) قرار دارد، می تواند جمله را با حذف مبتدا «انا» شروع نماید؛ ولی هدف از آوردن مبتدا میتواند تأکیدی بر اصول خود و ایجاد غیریت سازی با گفتمان رقیب قلمداد شود. (انصاری نیا، خزعلی، ۱۳۹۶: ۷۹) و این بیان مطابق (ضلع اول) است. علاوه بر جمله اسمیه اول، در ادامه رجز، جملات اسمیه دیگری بر جمله اسمیه اول عطف نمود، «لباسنا الوشی» که این امر می تواند مطابق (ضلع دوم) تأکیدی بر حاشیه رانی نکات منفی کنشگر (مرحب) باشد. (زاهدی، بی تا: ۸۴)

علی (ع) در پاسخ به مرحب رجز زیبا و بلیغی را می خواند:

| | |
|--|--|
| أَنَا الَّذِي سَمَّنِي أُمِّي حَيْدَرَةَ | لَيْتَ لُغَابَاتٍ شَدِيدًا قَسُورَةَ |
| عَبِلُ الذَّرَاعِينَ شَدِيدًا الْقِصْرَةَ | كَلَيْتَ غَابَاتٍ كَرِيهَ الْمَنْظَرَةَ |
| أَكِيلُكُمْ بِالسَّيْفِ كَيْلَ السَّنْدَرَةَ | أَضْرِبُكُمْ ضَرْبًا يُبِينُ الْفَقْرَةَ |
| وَأَتْرِكُ بَقَاعَ جِزْرَةَ | أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ رِقَابَ الْكُفْرَةَ |
| ضَرْبُ غَلَامٍ مَاجِدٍ حِزْوَرَةَ | مَنْ يَتْرِكُ الْحَقَّ يَقُومُ صَغْرَةَ |
| أَقْتُلُ مِنْهُمْ سَبْعَةً أَوْ عَشْرَةَ | فَكُلُّهُمْ أَهْلُ فُسُوقٍ فَجْرَةَ |

(منقري، ۱۳۸۲: ۳۹۰؛ دیوان امام علی (ع)، ۱۳۶۹: ۲۱۶)

من کسی هستم که مادرم نام مرا حیدره گذاشته است / من شیر بیشه شجاعت و شیر نری تیراندازم / بازوهایم نیرومند و گردنم قوی است، / همانند شیر نیرومندی که با قیافه ای هولناک همه را به وحشت می اندازد، هستم / با شمشیرم شما را به طور وسیع پیمان می کنم. و کنار میریزم / آنچنان به شما ضربه می زنم که مهره کمر شما از هم جدا شود / همتای خود را در زمین های هموار تکه پاره می کنم، / با شمشیر گردن های کفار را می زنم / من همانند نوجوانی بزرگوار و نیرومند حمله می کنم / کسی که حق را رها کند ذلت وی رشد پیدا می کند / از این مخالفان حق هفت نفر و یازده نفر به قتل می رسانم، / زیرا همه آنان طرف دار انحراف و ناپاکی هستند.

امام (ع) در آیات فوق در بیت اول از ابزار بیانی تشبیه بلیغ استفاده نموده است «أنا حیدرة» که از رساترین تشبیه در القای مفاهیم به مخاطب است.

علی (ع) با این تشبیه بلیغ بر شجاعت، قدرت و برتری خویش و ضعف رقیب تاکید می کند. (مطابق ضلع اول) و در جواب مرحب از جمله اسمیه که بار تاکید آن بیشتر از جمله فعلیه می باشد، استفاده نموده است. جمله اسمیه در اصل، بر ثبوت و بر حسب قرائن بر دوام دلالت می کند. با توجه به دلالت های جمله اسمیه، جملات اسمیه بیشتر برای بیان حقایق مناسب است. (عکاشه، ۲۰۰۵: ۷۱-۷۲؛ فاضلی ۱۳۸۸: ۷۳-۷۴) در ادامه علی (ع) از جملات فعلیه استفاده نموده است. «اکلیکم» و «اضربکم» و «اقتل» با توجه به دلالت جملات فعلیه، و اسمیه، جملات فعلیه به دلیل برخورداری از تحرک و پویایی بر تحول و تغییر دلالت دارد. (صابونی ۱۹۷۶، ج ۱: ۲۷۷؛ عکاشه، ۲۰۰۵: ۷۱-۷۲) همین امر دلیل متقنی است که امام قدرت خود را برجسته می کند. (مطابق ضلع دوم). نکته دیگری که در اینجا مطرح است، حضرت بنا بر مربع ایدئولوژیک ون دایک، ویژگی های منفی افراد رقیب را با گزاره های واژگانی «اهل فسوق» و «الکفره» بیان نموده است. منظور از کافر، پوشاننده حق است و اعم از فسق است. (راغب اصفهانی، ۱۴۳۰: ۵۶۹) این کلمات دارای بار ایدئولوژیکی است و بار معنایی منفی دارد و هدف حضرت بیان این نکته است که مرحب و اهل خیبر دارای انحراف هستند. (مطابق ضلع دوم) و به همین دلیل گفتمان خود را برجسته نموده و رقیب را به حاشیه می راند. سپس در اثبات شجاعتش می فرماید:

علاوه بر آن امام (ع) از اسلوب مفعول مطلق نوعی که غرض از آن بیان نوع و کیفیت عامل است و مفعول مطلق تاکید می کند که غرض از آن تاکید معنای عامل خود است و در هردو

مفعول تأکید انجام عمل نهفته است. (حسن، ۱۴۳۱، ج ۲: ۱۹۶) در رجز استفاده می‌نماید. «اکیلکم، کیل، اضریکم، ضرباً» که به وسیله این اسلوب زبانی انجام عمل و کیفیت آن را تأکید می‌نماید. و گفته‌خوان را به سمت تلقی تهدید رهنمون می‌کند که لازمه آن وجود گوینده ای صاحب قدرت و مخاطبی ضعیف است. مطابق (ضلع چهارم)، گفتمان رقیب را محکوم به شکست بازنمایی می‌کند.

جدول ۱. تحلیل رجزهای امام علی (ع) و مرحب بر اساس مربع ایدئولوژیک ون دایک

| ع | ر | د | دالات های زبانی | مرج‌های مرحب |
|---|---|---|---------------------------------|---------------------|
| ۱ | | × | حرف تحقیق قد+فعل ماضی=قطعیت حکم | قد علمتُ خیر... |
| ۲ | | × | ادات تأکید أن=قطعیت و تأکید | أنی مرحباً... |
| ۳ | × | | إذ= حتمیت وقوع | إذ اللیوثُ أقبلت... |
| ۴ | | × | أن+جمله اسمیه=ثبوت حقایق | أنی أغلب... |
| ۵ | | × | استعاره مکنیه=القای مفاهیم منفی | ابناءُ حرب... |
| ۶ | | × | عطف جملات اسمیه=تأکید | لباسنا وشی... |

| ع | ر | د | دالات های زبانی | رجزهای امام علی (ع) در مقابل مرحب |
|---|---|---|---|-----------------------------------|
| ۱ | | × | جمله اسمیه=ثبوت و دوام حقایق | أنا علیُّ |
| ۲ | | × | تقدیم خبر بر مبتدا=تأکید و تخصیص ادات شرط من=نزدیک بودن وقوع فعل | فی یمینی صارم |
| ۳ | | × | استعاره مکنیه=القای بار مثبت | نحن بنوالحرب |
| ۴ | | × | تشبیه=القای مفاهیم به مخاطب | أنا حیدره |
| ۵ | | × | جملات فعلیه=تحول و تغییر | أکیلکم بالسیف اضریکم |
| ۶ | | × | سازه های واژگانی=بار معنایی منفی | اهل فسوق-کفره |
| ۷ | × | | مفعول مطلق تأکیدی=تأکید انجام عمل | أکیلکم کَیلَ أضریکم ضرباً |

تحلیل: شواهد کلامی دال بر وجود فضای قطب بندی ما-در برابر آنها عبارت از: آنی مرحباً-إنی أغلب از طرف مرحب و أنا علیُّ - أنا حیدره از طرف امام علی (ع) است.

حضرت (ع) با استفاده از رویکرد زبانی-بلاغی، تقدم خبر بر مبتدا و مفعول مطلق نوعی - تاکیدی به حاشیه رانی گفتمان رقیب پرداخته است.

۲.۲ رجزخوانی علی (ع) و یاسر خیبری

یاسر خیبری کنشگر دیگری از گفتمان رقیب و برادر مرحب که از قهرمانان یهود می باشد پس از کشته شدن مرحب برای نبرد با علی (ع) در جنگ خیبر به میدان جنگ می آید. (معروف الحسنی، ۱۴۱۲، ق، ج ۲: ۲۲۵-۲۲۷)، و این گونه رجز می خواند:

قَدْ عَلِمْتُ خَيْبِرُ أُنَى يَاسِرُ شَاكِي السَّلَاحِ بَطْلُ مُغَامِرُ
إِذِ اللَّيْثُ أَقْبَلَتْ تُبَادِرُ وَأُخْجِمَتْ عَنْ صَوْلَةِ الْمُحَاجِرِ
أَنْ طَعَانِي فِيهِ مَوْتُ حَاضِرُ

(دیوان امام علی (ع)، ۱۳۶۹: ۲۱۹)

طایفه خیبر می داند که من یاسر هستم / از نظر اسلحه مجهزم، قهرمانی هستم که در جنگ های سخت ابراز وجود می کنم / آنگاه که شیرها به اطراف منطقه ما حمله می کنند، / از صولت قهرمانان پنهان می گردند، / در نیزه من مرگ آنها حاضر است.

یاسر خیبری در آغاز رجز، با کاربرد حرف تحقیق قد + فعل ماضی بر حتمیت و قطعیت، (یعقوب، ۱۳۸۶: ۵۲۱) شجاعت و دلیری خود تاکید نموده و آن را برجسته کرده است و خود را معرفی نموده و به رقیب نشان می دهد که نقطه کانونی در تقابل با رقیب است. مطابق (ضلع اول) تعبیر «بطل مغامر» بطل: قهرمان و پهلوان. مغامر از ریشه غمر یعنی کسی که از مرگ نمی ترسد و بدون واهمه می جنگد. (مصطفی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۶۱) «شاکي السلاح» به معنی تام السلاح و شخص کاملاً مسلح و با هیبت و چالاک در کاربرد اسلحه است. (همان، ج ۲: ۵۰۰) این دو ترکیب شمول معنایی دارند و گوینده در پی القای پیام و قدرت خویش است و (مطابق ضلع اول) مربع ایدئولوژیک برجسته ساز کننده وجود قدرت کنشگر رقیب است. و در گزاره «أَنْ طَعَانِي» از ادات تاکید به اضافه خبر جمله اسمیه (موت حاضر) که بار تاکیدی آن بیشتر از جمله فعلیه می باشد، (عکاشه، ۲۰۰۵ ج ۱: ۷۱-۷۲) استفاده نموده است. در عین حال که کنشگر، قدرت خود را برجسته می کند ضعف و ناتوانی رقیب را نیز مطابق (ضلع دوم) با جمله فعلیه «وَأُخْجِمَتْ عَنْ صَوْلَةِ الْمُحَاجِرِ» برجسته می سازد زیرا جملات فعلیه به دلیل بر خورداری از تحرک و پویایی،

برتحول و تغییر دلالت دارد. (صابونی، ۱۹۷۶، ج ۱: ۲۷۷) مطابق (ضلع چهارم) مربع ایدئولوژیک، بر قدرتمندی و توان قطب مقابل تاکید نمی‌کند. برجسته سازی نکات منفی رقیب مطابق ضلع سوم در رجز یاسر خیبری ذکر نشده است.

علی (ع) در جواب یاسر خیبری در قالب رجز چنین فرموده است:

| | |
|---|---|
| تَبَّأً وَ تَعَسَّأً لَكَ يَا اِبْنَ الْكَافِرِ | اَنَا عَلِيٌّ هَازِمُ الْعَسَاكِرِ |
| اَنَا الَّذِي اَضْرَبْتُكُمْ وَ نَاصِرِي | اِلَيْهِ حَقٌّ وَ لَهُ مَهَاجِرِي |
| اَضْرَبْتُكُمْ بِالسَّيْفِ فِي الْمَصَاغِرِ | اَجُودُ بِالطَّعْنِ وَ ضَرْبِ ظَاهِرِ |
| مَعَ اِبْنِ عَمِّي وَ السَّرَّاجِ الظَّاهِرِ | حَتَّى تَدِينُوا لِلْعَلِيِّ الْقَادِرِ |
| يَنْصُرُنِي رَبِّي خَيْرُ نَاصِرِ | اَمَنْتُ بِاللَّهِ بِقَلْبِ شَاكِرِ |
| اَضْرَبْتُ بِالسَّيْفِ عَلَيَّ الْمَغَاوِرِ | مَعَ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى الْمَهَاجِرِ |

(دیوان امام علی (ع)، ۱۳۶۹: ۲۱۹)

ای پسر کافر مرگ بر تو /! من علی هستم که لشکرها را شکست میدهم / من آن کسی هستم که به شما حمله می‌کنم و پناه من، / خدای بر حق است و به سوی او مهاجرت خواهیم کرد / شما را با شمشیر در شرایطی که به ذلیل هستید میکوبم / او با حمله کردن با نیزه و هجوم آشکار مرگ می‌بارم / پسر عمویم محمد صلی الله و نورافکن درخشان همراه من است / آن قدر به شما حمله می‌کنم تا تسلیم خدای تعالی که نیرومند است گردید / خدایی که بهترین یاور است مرا کمک خواهد کرد / من با قلبی شاکر به الله ایمان آورده‌ام / با شمشیر بر کلاه خودها می‌کوبم / و همراه با پیامبر (ص) که از شهر خود مهاجرت کرده خواهیم بود.

امام علی (ع) پاسخ رقیب را با نفرین و توسط کلمات «تَبَّأً وَ تَعَسَّأً» که بیانگر تهدید و ارعاب می‌باشد، آغاز نموده و نابودی و مرگ، مطابق با (ضلع دوم) مربع ایدئولوژیک، نشانگر ضعفی است که برای گفتمان رقیب قائل است. این دو کلمه «مفعول مطلق بدلی است که تاکید را می‌رسانند» (ابن عاشور ۱۴۲۰، ج ۲۶: ۸۶) امام بیان می‌نماید که جبهه مقابل، حق نبوده و کافر است. (يَا اِبْنَ الْكَافِرِ) با ادات ندا یاسر خیبری را خطاب می‌کند. این سخن مطابق بر (ضلع چهارم) مربع ایدئولوژیک می‌باشد. هم چنین نفرین برای تحقیر هم به کار میرود. علی (ع) تلاش می‌کند که نشان دهد گفتمان رقیب

ویژگی مثبتی نداشته و کافر یعنی پوشاننده حق است. بنا بر این گزاره «یابن الکافر» را بکار برده است. (ضلع چهارم)

در ادامه علی (ع) می فرماید: «أَنَا عَلِيُّ هَازِمٌ الْعَسَاكِرِ» (مطابق بر ضلع اول مربع ایدئولوژیک) بر وجوه قدرت و هم چنین بر ویژگی‌های مثبت خویش تاکید می‌کند. کلمه هَازِمٌ، اسم فاعل به معنای صفت مشبیه که نشان دهنده ثبوت (یعقوب، ۱۳۸۴: ۶۷) شکست دادن دشمن و قدرت امام می باشد. (علی (ع) جبهه خودش را با گزاره‌های «ناصری اله حق» و «معی ابن عُمی» نشان داده و آن را برجسته سازی نموده اند و به طرف رقیب گوشزد نمود که در جبهه حق نیستی. (ضلع دوم) در این آیات امام(ع) با ایجاد قطب بندی، بر برتری و شایستگی گفتمان خود و عدم استحقاق گفتمان رقیب در برخورداری از امتیازات و موهبت های الهی تاکید می کند. امام علی (ع) در آیات فوق، با گزاره‌های «وَنَاصِرِي الْهَقِّ» و «رَبِّي خَيْرٌ نَاصِرٍ» و «أَمْنْتُ بِاللَّهِ» گفتمان خودش را بر اساس ایدئولوژی شکل داده و جهان بینی اش را بیان نموده، که به خدا ایمان دارد و از حمایت خداوند و محمد (ص) بهره مند است این گزاره ها دلالت بر ایجاد بصیرت و تبلیغ حقانیت اسلام و مشروعیت نبرد علی(ع) و مخدوش کردن گفتمان رقیب دارد. (مطابق ضلع سوم) در گزاره «حَتَّى تَدِينُوا لِلْعَلِيِّ الْقَادِرِ» حتی به همراه فعل مضارع تعلیل را افاده می کند. (یعقوب، ۱۳۸۶: ۳۴۴) آن قدر به شما حمله می کنم تا تسلیم خداوند تعالی که نیرومند است، گردید و این خود تاکید بر ویژگی مثبت گفتمان علی(ع) و آشکار نمودن جنبه‌های منفی گفتمان رقیب است. (ضلع دوم)

جدول ۲. تحلیل رجزهای امام علی (ع) و یاسر خیبری بر اساس مربع ایدئولوژیک ون دایک

| ت | رجزهای یاسر خیبری | دلالت های زبانی | ۱ | ۲ | ۳ |
|---|-----------------------------------|--|---|---|---|
| ۱ | قد عَلِمْتَ خَيْرٌ أَنِّي يَاسِرٌ | حرف تحقیق قد+فعل ماضی=قطعیت حکم | × | | |
| ۲ | بَطْلٌ مَغَامِرٍ شَاكِي اسلَاحٍ | گزاره های واژگانی=شمول معنایی و القای قدرت | × | | |
| ۳ | أَنْ طَعَانِي فِيهِ ... | أَنْ+خبر جمله اسمیه=بار تأکیدی | | × | |

| ردیف | عبارت | دلالات‌های زبانی | ۱ ع | ۲ ع | ۳ ع | ۴ ع |
|------|---|---|--------|--------|--------|--------|
| ۱ | تَبَّأً وَ تَعَسَّأً ... | نفرین=تهدید و تحقیر مفعول مطلق بدلی= تأکید | | × | | |
| ۲ | یا ابن الکافر ... | سازه واژگانی= بار معنایی منفی | | | | × |
| ۳ | أنا علیُّ هازم العساکر | اسم فاعل به معنای صفت مشبّهه= ثبوت | | | × | |
| ۴ | ناصری إله حقّ معی ابن عمّی | سازه واژگانی= بار معنایی مثبت | | × | | |
| ۵ | رَبِّی خَیْرُ نَاصِرٍ-أَمْنَتِ بِاللّهِ | سازه واژگانی= بار معنایی مثبت | × | | | |
| ۶ | حتی تَدینوا للعلیِّ القادر | حتی+فعل مضارع=تعلیل | | | × | |

تحلیل: به کار بردن تعابیر آنی یاسر، بطل از طرف یاسر خیبری و تعابیر آنای علی هازم العساکر- معی ابن عمّی در القای فضای دوقطبی یا دسته بندی ما- آن‌هایی موثر است. امام علی (ع) با استفاده از عناصر زبانی نفرین، اسم فاعل به معنای صفت مشبّهه و سازه‌های واژگانی به حاشیه رانی رقیب پرداخته است.

۳.۲ رجز خوانی علی (ع) و عتتر خیبری

عتتر یکی از هشت قهرمان معروف عرب که به شجاعت و جلادت مشهور بود بعد از مرگ مرحب در جنگ خیبر هم‌آورد علی (ع) است. (عاملی، ۱۳۸۷: ۲۸۰-۲۷۶؛ قمی، ۱۳۹۰: ۱۹۳) در رویارویی پیش از نبرد با حضرت (ع) این گونه رجز می خواند:

أنا ابوالبلیتِ و اسمی عتترُ
شاکِ السّلاحِ و بلادی خیبرُ
أشجعُ مفضالِ هزبرِ أوزرُ
جهمُ عبوسِ بارزِ ممرزُ

عند اللبوثِ للبوثِ قسورٌ

(دیوان امام علی (ع)، ۱۳۶۹: ۲۲۱)

کنیه ام ابوالبلیت و نامم عتتر است، به سلاح مجهز و از سرزمین خیبرم / قهرمان بزرگواران، هزبر کج سینه ام، شیری، لخمو هستم که از اول در میدان جنگ حاضرم . جنگجو هستم / در بیشه شیران برای شیران، شیر مردم.

عتتر با گزاره های «انا ابوالبلیت «و» اسمی عتتر «در واقع سعی دارد و جوه مثبت خویش را پررنگ و برجسته سازی کند. ذکر کنیه قبل از اسم خاص برای بزرگداشت اسم خاص بوده و مطابق بر (ضلع اول) مربع ایدئولوژیک است. علاوه بر آن عتتر با عطف جمله های اسمیه به هم «أنا ابوالبلیت، اسمی عتتر، بلادی خیبر» در واقع ضمن تاکید مجدد بر عظمت و قدرت خویش و ضعف و ناتوانی کنشگر رقیب را در مصاف پررنگ می کند. (مطابق بر ضلع دوم)

در ادامه عتتر در رجز خود گزاره «اشجعُ مفضال» را ذکر نموده، در ترجمه به صورت صفت عالی (شجاع ترین بزرگواران) می آید. اسم تفضیل کار بست دیگر زبانی است که عتتر ادعای قدرت غلبه بر علی (ع) دارد. (حسن، ۱۴۳۱، ج ۳: ۲۸۹) و قدرت و عظمت کنشگر گفتمان رقیب را مطابق (ضلع چهارم) کم رنگ و تقلیل یافته بازنمایی می کند. عتتر علی رغم شکست دیگر یارانش از علی (ع) به میدان جنگ آمده و مدعی نبرد است. نفس این عمل از منظر گفتمانی مطابق با (ضلع سوم) مربع ایدئولوژیک است. عتتر در برابر علی(ع) می گوید: «هزبرُ ازور» هزبر به معنای شیر و ازور یعنی قوی و کسی که چابک است .. (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۰۶) و «هزبر عبوس» به معنای شیر غضبناک و «قسور» به معنای شیر جوان و قوی. (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۲: ۷۳۳) به طور کلی واژه ها بیانگر فکر گوینده هستند و علت ذکر این دسته واژگان در کنار هم، وجود رابطه معنایی، هم نشینی در بین آنهاست. این تعبیر همگی ادعای توانمندی و قدرتمندی عتتر را نشان می دهد (مطابق بر ضلع اول) و این که با این گزاره «عند اللبوثِ، للبوثِ قسورٌ» می خواهد ضعف رقیب را برجسته کند. (مطابق ضلع دوم) با اشاره نکردن به سابقه شکست پیشین، ذکر چندین صفت برای موصوف معرفه، «شاکي السلاح، أشجعُ مفضال، هزبرُ ازور، جهمُ عبوس، بارزُ ممرز» که در اینجا به منظور مدح است. (حسن، ۱۴۳۱: ۳۱۲) و جوه ناتوانی گفتمان خویش را نادیده می گیرد و به حاشیه می راند. (مطابق ضلع سوم) و با

در نظر نگرفتن قدرت علی(ع) در حقیقت وجوه قدرتمندی گفتمان رقیب را به حاشیه می‌راند. (مطابق ضلع چهارم)

در برابر رجز عتتر، علی(ع) این گونه رجز می‌خواند:

أنا علىُّ البطلُ المُظْفَرُ غشمشمُ القلبِ بذاك أدْكَرُ
و فی یمنی لِقَاءِ أَخْضَرُ یَلْمَعُ مِنْ حَافِیهِ بَرَقُ یَزْهَرُ
لِلضَّرْبِ وَ الطَّعْنِ الشَّدِیدِ مُحْضَرُ مَعَ النَّبِیِّ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرُ
اِخْتَارَهُ اللهُ الْعَلِیُّ الْاَكْبَرُ الْیَوْمَ یُرِضُهُ وَ یُخْزِی عَنْتَرُ

(دیوان امام علی(ع)، ۱۳۶۹: ۲۲۱)

من علی(ع) قهرمانی پیروزمندم، /و قلبی نیرومند دارم و به این مطلب مشهورم / در دست راستم شمشیری مستقیم دارم، /که از دو دم آن برق می‌جهد / برای حمله شدید با شمشیر و امروز این نیزه، / در رکاب پیامبر(ص) (آماده ام) / خدای متعال محمد(ص) را برای پیامبری برگزید / شمشیر محمد(ص) را خوشنود می‌گرداند و عتتر را بدبخت.

علی(ع) در ابیات فوق در آغاز با جمله اسمیه «أنا علیُّ» به معرفی خود پرداخته، و جوه مثبت و ویژگی‌های خویش را به دشمن یادآوری می‌کند. (مطابق بر ضلع اول مربع ایدئولوژیک (و با گزاره «مع النَّبِیِّ الطَّاهِرِ» ایجاد قطب بندی نموده، و بر برتری و شایستگی گفتمان خود در برابر رقیب تأکید می‌کند. یکی از ابزارهای زبانی در این حوزه، عطف جملات اسمیه به هم می‌باشد. در اینجا چون رقیب منکر صدق کلام گوینده است، حضرت مستلزم است که کلام خود را با ادات تأکید همراه سازد. بنابراین دیدگاه، علی(ع) با پی‌درپی آوردن جملات اسمیه و ثبوتی که در جملات اسمیه است، (فاضلی، ۱۳۸۸: ۷۳) ضمن رفع انکار ذهنی مخاطب مهر تأییدی بر حقانیت جبهه خودش می‌زند. به سخن دیگر علی(ع) در این ابیات با تأکید بر ارزشهای مثبت خود، گفتمان رقیب یعنی عتتر را به حاشیه رانده و آن را کمرنگ جلوه می‌دهد. (ضلع دوم)

علی(ع) در گزاره «و فی یمنی لِقَاءِ أَخْضَرُ» با تقدیم خبر بر مبتدأ که جهت تخصیص و حصر می‌باشد، (زاهدی، بی تا: ۱۱۹) به عتتر خطاب می‌کند، شما را با شمشیر مستقیم که ذلیل هستید می‌کویم. این بیان مطابق با (ضلع دوم) مربع ایدئولوژیک باعث برجسته شدن ویژگی‌های منفی گفتمان رقیب و نشانگر ناتوانی وضعفی است که امام(ع) برای عتتر و جبهه اش قائل است. هم چنین در گزاره «یَلْمَعُ مِنْ حَافِیهِ بَرَقُ یَزْهَرُ» لمع در

لغت به معنای درخشیدن است. (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۲: ۸۳۹) به شمشیرش اشاره می کند که مانند برق می درخشد. مطابق (ضلع اول) نقاط قوت خویش را پررنگ می کند و مطابق ضلع سوم، برجسته سازی نقاط منفی طرف مقابل در کلام حضرت دیده می شود (یخزی) و مطابق (ضلع چهارم)، گفتمان رقیب را محکوم به شکست بازنمایی می کند، که در این گزاره مشهود است. «الیوم یخزی عتتر» فعل یخزی به معنای خوار شدن. (طریحی، ۱۴۳۰: ۳۶۵) که حامل بار منفی است. امروز این شمشیر محمد (ص) را خوشنود می گرداند و عتتر را بدبخت. سر انجام عتتر به دست علی (ع) کشته شد.

جدول ۳. تحلیل رجزهای امام علی (ع) و عتتر خیبری بر اساس مربع ایدئولوژیک ون دایک

| ردیف | رجزهای عتتر خیبری | دلالت های زبانی | ۱ ع | ۲ ب | ۳ ا | ۴ ج |
|------|---|--|--------|--------|--------|--------|
| ۱ | انا ابوالبلیت و اسمی عتتر | ذکر کینه قبل از اسم خاص=بزرگداشت اسم خاص | x | | | |
| ۲ | انا ابوالبلیت و اسمی عتتر و بلادی خیبر | عطف جملات اسمیه به هم=تأکید عظمت خود و ضعف مخالف | | x | | |
| ۳ | أشجع مفضل | اسم تفضیل=ادعای برتری | | | x | |
| ۴ | هزبر آزر-هزبر عبوس قسور | سازه واژگانی=هم نشینی | x | | | |
| ۵ | عندالیوث، للیوث قسور | سازه واژگانی=بار معنایی مثبت | | x | | |
| ۶ | شاکی السلاح-أشجع مفضل-هزیر آزر-حجم عبوس | ذکر چند صفت برای موصوف معرفه=مدح | | | x | |

| ردیف | رجزهای امام علی (ع) در مقابل عتتر | دلالت های زبانی | ۱ ع | ۲ ب | ۳ ا | ۴ ج |
|------|-----------------------------------|-----------------------------------|--------|--------|--------|--------|
| ۱ | أنا علی | جمله اسمیه=ثبوت و دوام | | | x | |
| ۲ | أنا علی-البطل المطفر | عطف جملات اسمیه=ثبوت و دوام حقایق | x | | | |
| ۳ | فی یمینی للقاء أخضر | تقدیم خبر بر مبتدا=تخصیص و حصر | | | x | |
| ۴ | یخزی | سازه واژگانی=بار معنایی منفی | | x | | |
| ۵ | الیوم یخزی عتتر | سازه واژگانی=بار معنایی منفی | x | | | |

تحلیل: شواهد کلامی دال بر فضای قطب بندی ما- در برابر آنها عبارتند از: أنا ابوالبلیت-أشجه مفضل از طرف عتتر خیبری و تعابیر أنا علی- البطل المظفر است. علی(ع) با استفاده از رویرد زبانی تقدیم خبر بر مبتدا، سازه های واژگانی و جملات اسمیه گفتمان رقیب را به حاشیه رانده است.

۴.۲ رجز خوانی علی (ع) و داوود بن قابوس

داوود بن قابوس بکری از قهرمانان عرب پس از مرگ مرحب، هم‌اورد دیگری است که برای نبرد با علی(ع) در میدان نبرد خیبر حاضر می شود و چنین رجز می خواند:

| | |
|---------------------------|------------------------|
| یا ایها الجاهل بالترغم | ماذا تريد من فتی غشمشم |
| أروغ مفضل هصور هیصم | ماذا تری بیازل ممصم |
| و قاتل القرن الجری المقدم | والله لا أسلم حتى تحرم |

(دیوان امام علی (ع)، (ع)، ۱۳۶۹: ۴۲۴)

ای عصبانی بی اطلاع! / از جوانی که خود بین است چه انتظاری داری؟! / ای زیباروی دانشمندی که شیری نر و دلاوری نیرومندی، نسبت به کسی که بازوهای خود را میبخشد چه نظر داری؟ / نسبت به کسی که هم ردیفان خود را به قتل می‌رساند، / جسور و بی باک است چه نظر می دهی؟ / به خدا سوگند آنقدر می‌جنگم تا از زندگی محروم گردانم.

داوود بن قابوس یهودی یکی از کنشگران رقیب در جنگ خیبر است که وارد میدان می‌شود و در رویارویی با علی (ع) از گزاره‌های «الجاهل بالترغم» ترغم از ریشه رغم به معنای خشمگین. (طریحی، ۵۱۹: ۱۴۳۰) استفاده نموده و در واقع سعی دارد وجوه مثبت خویش را پررنگ و برجسته سازی کند. (مطابق بر ضلع اول) و در ادامه با گزاره «فتی غشمشم» غشمشم در لغت به معنای ظالم خشمگین. (فراهیدی، ۱۴۲۵، ج ۲: ۱۳۴۳) ضمن تاکید مجدد بر قدرت خود، ضعف و ناتوانی کنشگر رقیب را در مصاف پررنگ می‌کند. (مطابق با ضلع دوم). از سوی دیگر داوود بن قابوس با ادعای قدرت غلبه بر علی (ع) سعی دارد، قدرت و عظمت کنشگر گفتمان رقیب را مطابق (ضلع چهارم)، کم‌رنگ و تقلیل یافته بازنمایی کند. که در گزاره «قاتل القرن الجری» مشهود است. قاتل، اسم فاعل به معنای صفت مشبیه که نشان دهنده ثبوت (یعقوب، ۱۳۸۴: ۶۷) شکست دادن دشمن و قدرت امام می باشد. واژه قرن به معنای هم سن و سالان. (همان، ج ۳: ۱۴۶۸) با

این سازه واژگانی بر جنگاوری خود تاکید می کند و بیان می کند که حتی به همسالانش رحم نمی کند.

ابزارهای زبانی که داوود بن قابوس در رجز استفاده نموده است در آغاز اسم استفهام «ماذا» است که دو بار آن را تکرار نموده و ابیات بعدی را هم پرسشی کرده است. به کاربردن اسم استفهام جهت قرار دادن مخاطب در موضع انفعال و اقعاع پذیری و فهماندن است. (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۰۶) در حقیقت نکات منفی خودش را به حاشیه می راند. (ضلع سوم) عبارت «یا ایها الجاهل» نخستین کنش کلامی داوود در مقابل علی (ع) و لشکریانش است؛ که این بیان هتک حرمت به ساحت امام و به طور صریح فضایل و مناقب وی را رد می کند. (ضلع دوم)

در برابر رجز داوود بن قابوس، علی(ع) این گونه رجز می خواند:

| | |
|--|--|
| أُبْتُ لِحَاكِ اللَّهِ إِنْ لَمْ تُسَلِّمْ | لَوْ قَعِ سَيْفِ عَجَزٍ فِي خِضْرَمٍ |
| تَحْمِلُهُ مِنِّي بَنَانُ الْمُعْصَمِ | أَحْمِي بِهِ كِنَائِي وَ أَحْتَمِي |
| إِنِّي وَ رَبُّ الْحَجَرِ الْمُكْرَمِ | قَدْ جُدْتُ لِلَّهِ بِلَحْمِي وَ دَمِي |

(دیوان امام علی (ع)، ۱۳۶۹: ۴۲۴)

خدا نابودت کند. اگر تسلیم نمی شوی / بایست تا حادثه شمشیر آبدار را ببینی / شمشیری که انگشتان دست من آن را در بر گرفته / و با آن لشکرها را حراست می کنم و خود را حفظ می نمایم / به خدای حجرالاسودی که محترم است سوگند یاد می کنم / که در راه خدا گوشت و خون خود را به طور حتم بخشیده ام.

علی (ع) در رویارویی با داوود بن قابوس از گزاره نفرین «لِحَاكِ اللَّهِ» یعنی خداوند ترا لعنت و زشت گرداند. (مصطفی و همگاران، ۱۳۸۵، ج ۲: ۸۲۰) استفاده نموده که مطابق با (ضلع دوم) مربع ایدئولوژیک باعث برجسته شدن ویژگی های منفی گفتمان رقیب و نشانگر نفرتی است که برای این کنشگر قائل شده است. گزاره ی «لَوْ قَعِ سَيْفِ عَجَزٍ فِي خِضْرَمٍ» که خضرم برای سیف صفت و به معنای تیز و بران است. (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۴۱) مطابق (ضلع اول) نقاط قوت خویش (قدرتمندی در نبرد) را پررنگ می کند. مطابق (ضلع سوم) برجسته سازی نکات منفی دیگری در گفتمان علوی دیده نمی شود. برخلاف داوود بن قابوس که از سازه های واژگانی استفاده نمود که

هتک حرمت به امام (ع) بود. حضرت (ع) با برخورد اخلاقی و ایجاد بصیرت و رهبری اخلاق مدار، اشتیاق به هدایت مخالفان داشت.

ابزار زبانی که حضرت در گفتمان‌ش بکار می‌برد در آغاز استفاده از جمله فعلیه و نفرین است. اثبتَ لِحَاكِ اللّٰهُ ... «جملات فعلیه به دلیل برخورداری از تحرک و پویایی، برتحول و تغییر دلالت دارد.» (عکاشه، ۲۰۰۵: ۷۲) که همین امر دلیل متقنی است که علی(ع) ایمان راسخ نسبت به نابودی دشمن و پیروزی خود دارد. استفاده از ادات نفی + فعل مضارع «لَمْ تُسَلِّمْ» که پایان یافتن امری را در گذشته و عدم استمرار آن را در حال بیان می‌دارد. (یعقوب، ۱۳۸۶: ۵۰۱) برای مبهم‌گذاردن توانمندی و قدرت رقیب و در موضع انفعال قرار دادن و به حاشیه راندن دشمن است. مطابق (ضلع چهارم). علاوه بر آن حضرت از واو قسم و سوگند؛ «سوگند در نزد نحویان جمله ای است که با آن خبر مورد تاکید قرار می‌گیرد.» به خدای حجراالاسود، «وَرَبُّ الْحَجَرِ» برای تثبیت کلام خود بهره برده است. (زرکشی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۴۰) به کارگیری فعل ماضی به همراه حرف تحقیق قد «قَدْ جُدْتُ» که دلالت بر قطعیت و انکار ناپذیری دارد موجب برجسته‌سازی بیشتر و اقرارگیری از مخاطب می‌شود؛ در بیان حضرت (ع) حرف تحقیق قد + فعل ماضی که نشان دهنده حتمیت و قطعیت حکم است. (همان، ۱۳۸۶: ۵۲۱) (مطابق ضلع اول) یعنی امام به رقیب اعلام می‌کند که جانم را کف دست گرفته ام و تا آخر در جبهه حق مبارزه خواهم کرد و سرانجام داود ابن قابوس را به مرحب ملحق کرد.

جدول ۴. تحلیل رجزهای امام علی (ع) و داود بن قابوس بر اساس مربع ایدئولوژیک ون دایک

| س | رجزهای داود ابن قابوس | دالات هازی زبانی | ا | ب | ج | د |
|---|-----------------------|---|---|---|---|---|
| ۱ | الجاهل بالترغم | گزاره واژگانی = بار معنایی منفی | × | | | |
| ۲ | فتی غشمشم | گزاره واژگانی = تاکید بر قدرت خود | | × | | |
| ۳ | قاتل القرن الجری | استفاده از اسم فاعل در معنای صفت مشبیه = ثبوت | | | | × |
| ۴ | ماذا | ادات پرسشی = قناع پذیری مخاطب | | × | | |
| ۵ | یا ایها الجاهل | سازه واژگانی = بار معنایی منفی | | | × | |

| ردیف | رجزهای امام علی (ع) در مقابل داود ابن قابوس | دلالت های زبانی | ۱ نهی | ۲ نهی | ۳ نهی | ۴ نهی |
|------|---|---|----------|----------|----------|----------|
| ۱ | لحاك الله ... | نفرین=تهديد و تحقير | | x | | |
| ۲ | لوقع سيف عجز... | سازه واژگانی+ بار معنایی منفی | | | x | |
| ۳ | لم تُسلم ... | جمله فعلیه=تحول و تغيير | | x | | |
| ۴ | إن لم تُسلم | ادات نفی+فعل مضارع=پایان یافتن امری در گذشته و عدم استمرار آن در زمان حال | | x | | |
| ۵ | و رب الحجر المُكرم | واو قسم=تاكيد خبر | | | x | |
| ۶ | قد جُدت لله | حرف تحقیق قد+فعل ماضی=حتمیت و قطعیت انجام کار | | | x | |
| ۷ | اثبت لحاك الله إن لم تُسلم | حاشیه رانی نکات مثبت قابوس با تسلیم | | x | | |

تحلیل: به کار بردن تعابیر قاتل القرن الجری، فتی غشمشم از طرف قابوس و تعابیر احمی به کتائبی در القای فضای دوقطبی یا دسته بندی ما-آن هایی مؤثر است. حضرت (ع) با استفاده از رویکرد زبانی نفرین، واو قسم، ادات نفی به همراه فعل مضارع و سازه واژگانی به حاشیه رانی رقیب پرداخته است.

۳. نتیجه گیری

بر مبنای مربع ایدئولوژیک ون دایک در تحلیل گفتمان، هنگامی که دو ایدئولوژی با هم رقابت داشته باشند و شرایط کشمکش وجود داشته باشد قطب بندی ایدئولوژیکی ایجاد می شود و هر قطب سعی دارد برتری گفتمان خویش و ضعف و ناکارآمدی گفتمان رقیب را پررنگ و برجسته سازی کند. رجز های علی (ع) و یهودیان در جنگ خیبر، نمود گفتگوی میان دو اندیشه و دو نوع جهان بینی متقابل است که هر یک از طرفین با تاکید بر گفتمان خود به دنبال مشروعیت سازی خود در نگاه مخاطب است. مخالفان حضرت، کافر و پوشاننده حق بودند و در سطوح مختلف دستوری و بیانی سعی در مشروعیت زدایی گفتمان علی(ع) را داشته اند. به گونه ای که یهودیان گفتمان شان را بر اساس ایدئولوژی ضد دیگری- علی(ع) - شکل داده اند. در حالی که ایدئولوژی برتر گفتمان علوی و شکست ناپذیری آن در برابر رقیب بر مبنای دعوت به حق، حمایت خداوند و محمد(ص)،

صداقت و اخلاق استوار است. علاوه بر آن علی (ع) از رویکردهای زبانی موثر برای اقناع و اثرگذاری در مخاطب بهره برده است، که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- محور اصلی گفتمان امام (ع) یعنی اثبات حقانیت جبهه اسلام در برابر یهود که با بکارگیری جمله اسمیه و تاکیدات تقدیم خبر بر مبتدا، مفعول مطلق نوعی و تاکیدی، حرف قد به همراه فعل ماضی، واو قسم، اسم فاعل به معنای صفت مشبیه در رجزهای حضرت به خوبی تجلی یافته است.
- بکارگیری نفرین «لحاک الله» که بیانگر تهدید و ارباب مخالفان است.
- به کارگیری تشبیه بلیغ و استعاره مکنیه در جهت القای مفاهیم به مخاطب.
- بکارگیری سازه های واژگانی که بار ایدئولوژیکی منفی دارند از جمله: «اهل فسوق، الکفره»
- استفاده از سازه های واژگانی که بار ایدئولوژیکی مثبت دارند از جمله: «ربی خیر ناصر، آمنت بالله».

هم چنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در این جنگ فضای قطب بندی میان جبهه امام (ع) و یهودیان وجود دارد و هر قطب در رویارویی با رقیب در قالب ساختار کلامی رجز سعی دارد برتری خویش و ضعف رقیب را مورد تاکید قرار دهد. علاوه بر آن الگوی مربع ایدئولوژیک با رجزهای هر دو قطب قابلیت انطباق دارد چرا که در طی رجزخوانی کنشگر هر قطب نقاط قوت خویش و نقاط ضعف رقیب را برجسته سازی می‌کند و از سوی دیگر نقاط منفی گفتمان خویش و نقاط مثبت گفتمان رقیب را کم رنگ و حذف می‌کند. و در حقیقت مربع ایدئولوژیک ون دایک، ویژگی متضاد دو گفتمان را آشکار نموده است.

کتاب‌نامه

- ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰). التحرير و التنوير، بيروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- ابن هشام، ابو محمد عبد الملک. (بی تا). السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت: دارالمعرفه.
- امیری خراسانی، احمد؛ اکرمی نیا، عصمت. (۱۳۹۶). «جایگاه رجز در شعر دفاع مقدس»، نشریه ادبیات پایداری، س ۹، ش ۱۶، ص ۳۹.

تحلیل رجزهای امام علی(ع) و یهودیان در جنگ خیبر ... (ابراهیم فلاح) ۲۴۹

انصاری نیا، زری، خزعلی، انسیه. (۱۳۹۶). «جلوه های تمدنی در مناظره امام رضا (ع) و جاثلیق در موضوع نبوت و بر مبنای مربع ایدئولوژیک ون دایک» تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۸، ش ۲۶، صص ۶۵-۹۰.

پاشازانوس، احمد؛ رحیمی، معصومه. (۱۳۹۸) «تحلیل گفتگوی حضرت موسی و فرعون در سایه مربع ایدئولوژی ون دایک»، دوفصلنامه علمی پژوهش های زبانشناختی قرآن، س ۸، ش ۱۶، ۲۸. جرجانی، عبد القاهر. (۱۹۸۴). دلائل الاعجاز، تعلیق محمود عمر شاکر، قاهره: مکتبه الخانجی. حسن، عباس. (۱۴۳۱). النحو الوافی، قم: ذوی القربی.

حموی، یاقوت. (۱۹۹۵). معجم البلدان، بیروت دار صادر. خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن. (۲۰۰۳). الايضاح فی العلوم البلاغه، شرح ابراهیم شمس الدین. بیروت: دارالکتب العلمیه.

دیوان امام علی (ع). (۱۳۶۹). مترجم مصطفی زمانی، قم: پیام اسلام. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین ابن محمد. (۱۴۳۰). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

زرکشی، بدرالدین. (۱۴۰۸). البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دارالمعرفه.

سیوطی، عبد الرحمن ابن ابی بکر. (۱۳۸۰). الاتقان فی علوم القرآن، مترجم، مهدی حائری قزوینی، تهران: امیر کبیر.

صابونی، محمد علی. (۱۹۷۶). صفوه التفاسیر، مکه المکرمه: مکتبه جلد. طریحی، فخر الدین. (۱۴۳۰). مجمع البحرین، تصحیح نضال علی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

عاملی، سید جعفر مرتضی. (۱۳۸۷). صفوه الصحیح من سیره النبی الاعظم، تهران: مشعر. عکاشه، محمود. (۲۰۰۵). التحلیل اللغوی فی ضوء علم الدلاله، قاهره: دارالنشر للجامعات. فاضلی، محمد. (۱۳۸۸). دراسه و نقد فی مسائل بلاغیه هامه، تهران و مشهد: سازمان سمت و دانشگاه فردوسی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۲۵). کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم: اسوه. فلاح، ابراهیم. (۱۳۹۷). «جلوه های ادبیات مقاومت و پایداری در رجزهای علوی»، ادبیات پایداری، سال ۱۰، ش ۱۹، صص ۲۵۱-۲۳۰.

قمی، عباس. (۱۳۹۰). منتهی الآمال، تهران: مبین اندیشه. مصطفوی نیا، سید محمد رضی. (۱۴۳۳). «دراسه الرجز فی العصر الاسلامی»، اضائات نقدیة فی الادبیین العربی و الفارسی، ج ۱، ش ۴، صص ۱۰۳-۷۹.

معروف الحسینی، هاشم. (۱۴۱۲ق). سیره المصطفی، مترجم حمید ترقی جاه، تهران: حکمت.

- منقری، نصرین مزاحم. (۱۳۸۲). وقعه صفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: بصیرتی.
- واقدی، محمد ابن عمر. (۱۳۶۹). المغازی، مترجم محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر دانشگاهی.
- ون دایک، تئون. (۱۳۷۸). تحلیل گفتمان: پرورش و کاربست آن در ساختار خیر، مترجم: محمدرضا حسن زاده، تهران: پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- ون دایک، تئون (۱۳۹۰). مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن ناگفتمان کاوی انتقادی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.
- یعقوب، امیل بدیع. (۱۳۸۴). موسوعه الصرف والنحو والاعراب، تهران: استقلال.

- Van Dijk. Teun A. (1995). Discourse Semantic and Ideology. Discourse 8 society. 6(2), 243-289.
- Van Dijk. Teun A (2005). Politics, Ideology and Discourse, Elsevier »Encyclofedia of Language and Linguistics«, Velume on politics and Language.
- Van Dijk. Teun A (2006).» Ideology and Discourse Analysis«. Journal of Political Ideologies. 115-140.
- Van Dijk. Teun A (2000). Ideology and discourse A Multidisciplinary introduction. English version of an internet course For the Universitat obert a de catalunya. (uoc).
- Van Dijk. Teun A (1998). Ideology a Multidisciplinary Approach sage publication:London